

تفاوت‌های ظریف آواز خوانی باتعزیه‌خوانی

ابوالحسن خان اقبال‌آذر آوازخوان مشهور ملقب به اقبال السلطان، پس از اجرای تعزیه مقابل محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز طی حکمی جزء فراش‌های خلوت دربار ولیعهد می‌شود. اقبال‌آذر متولد قزوین بود و پدرش از مجتهدان و عالمان دینی و صاحب رساله علمیه بود که به تدریس علوم دینی اشتغال داشت. ابوالحسن چون صدایی رسا و دلنشین داشت از همان کودکی در تعزیه‌ها شرکت می‌کرد و نقش به‌چخوان و نوحه‌خوان را داشت. پس از مرگ مظفالدین شاه، ابوالحسن خان همراه محمدعلی‌شاه به تهران آمد و به‌عنوان آوازخوان دربار شاهی مشغول به کار شد. ابوالحسن‌خان اقبال‌آذر علاوه‌بر آوازخوانی در دربار در ماه محرم در تکیه دولت به شبیه‌خوانی می‌پرداخت.

عزیزالسلطان در روزنوشته خاطراتش در تاریخ ۴ محرم ۱۳۲۵ه‍. ق، که شبیه‌خوانی اقبال آذر را در جوانی مشاهده کرده، جایگاه تعزیه‌خوانی او را آنچنان قوی و مناسب ندانسته است چنانچه معتقد بوده ابوالحسن خان اقبال‌آذر بیش از آنکه شبیه‌خوان باشد آوازخوان است: «امروز با مجدالدوله رفتم طاق‌نمای ظفرالسلطنه وزیرجنگ. مجدالسلطنه و علیرضا خان گروسی آنجا بودند. حسن خان، مسلم شده بود. الحق بسیار بد خواند، آوازخوان غیر از تعزیه‌خوان صدایش خوب است ولی تعزیه خوب نمی‌خواند.» با این همه لازم به یادآوری است که ابراهیم بوذری از شاگردان وی و از خبرگان موسیقی تعزیه است. در سال ۹۱ موسسه فرهنگی – هنری ماهور آلبوم «دو مجلس تعزیه» توسط ابراهیم بوذری، که در آن تعزیه حضرت عباس(ع) و تعزیه حضرت علی‌اکبر(ع) اجرا شده را منتشر کرد که مطالبی نیز درباره پیدایش و علل تشکیل تعزیه، اجرای تعزیه، اشعار تعزیه، خوانندگان برجسته تعزیه و اینکه تعزیه در چه دستگاه‌ها و آوازها و آهنگ‌هایی خوانده می‌شده، در دفترچه همراه سی‌دی به قلم ابراهیم بوذری آمده است.

تکیه دولت؛اولین سالن چند هزار نفری موسیقی ایران

با رواج تعزیه‌خوانی و شدت علاقه مردم به هنر تعزیه در دوره قاجار و نیز توجه خاص ناصرالدین شاه به این هنر که البته با بهرهبرداری‌های سیاسی نیز همراه بود، بنای تکیه دولت به دستور شاه در جنوب عمارت گلستان در قسمت زندان و سیاه‌چال، محل فعلی بانک ملی ساخته شد. دستور ساخت تکیه دولت در تاریخ ۱۲۸۳ه‍. ق از سوی شاه به دوستعلی خان معیرالممالک سرپرست ضرابخانه شاهی صادر شد و با گذشت سه تا چهار سال از فراهم کردن مقدمات اولیه جهت طراحی بنای آن حدود سال ۱۲۸۷ ه‍. ق شروع به ساخت و در سال ۱۲۹۰ه‍. ق پس از سه سال که ساخت آن به طول انجامید، تعزیه‌خوانی‌های دولتی به این مکان انتقال پیدا کرد و رسماً اولین سالن چند هزار نفری

اجرای اپرای ایرانی «تعزیه» شد. برخی این بنای زیبا را متأثر از سفرهای فرنگ ناصرالدین شاه می‌دانند و معماری آن را نزدیک به سالن «روپال آلبرت هال» لندن ارزیابی کرده‌اند در صورتی که تاریخ دقیق ساخت آن مشخص می‌سازد که این گمانه‌زنی با سفرهای شاه ی معیرالممالک هم‌زمان نیست. تکیه دولت، بنایی که از پنج فرسنگی تهران پیدا بود و سقف آن را با تیرک‌های مدور چوبی به شکل گنبد بود و برای جلوگیری از باران و سرما با کرباس پوشانده می‌شد به‌گونه‌ای مهندسی شده بود که پیشش چرخش صدا در آن شنیدن صدای تعزیه‌خوانان را در هر کجای سالن به راحتی ممکن می‌ساخت. سالی که در آن مراسم تشییع ناصرالدین شاه نیز برگزار شد و بعدها مجلس موسسان در آن تشکیل شد سرانجام در سال ۱۳۲۷ برای ساختن بانک ملی تخریب شد.

عبدالله مستوفی دولتمرد قاجار مراسم عزاداری در تکیه دولت را همراه با موسیقی روز دانسته و این‌گونه تشریح می‌کند: «در ابتدای شروع مراسم واعظین و روضه‌خوان‌های مشهور یکی پس از دیگری به بالای منبر رفته و هرکدام مطالبی را در وصف مصائب سیدالشهدا ذکر کرده و می‌خواندند و بعد از آن آخرین نفر که مشهورترین و باتجربه‌ترین روضه‌خوان بود به بالای منبر رفته و ذکر مصیبت می‌نمود و در انتها دعای پایان روضه را می‌خواند. بعد از آن دسته موزیک سلطنتی و نفاذه‌چی‌ها پشت‌سر هم در جایگاه خود مستقر می‌شوند. سپس دسته‌های سینه‌زنی وارد شده روبه‌روی طاق‌های شاه ایستاده و نوحه‌ای خوانده و بیرون می‌روند. در انتها بعد از مراسم خاصی چون سینه‌زنی دسته فراش‌ها، ورود زنبورکچیان و نواختن موزیک نظامی، تعزیه‌خوان‌ها با همراهی و جلوداری معین‌الیکا با خواندن نوحه وارد صحن شده و تعزیه‌خوانی شروع می‌شود.

نگاه



اقبال آذر

حسن خان، مسلم شده بود، الحق بسیار بد خواند، آوازخوان غیر از تعزیه‌خوان است، صدایش خوب است ولی تعزیه خوب نمی‌خواند

بیاد

قبلاًگفته‌اید که در ابتدا بچه‌خوان بودید و سپس به علت عدم حضور دایی‌تان در تعز به به اصرار مادر بزرگ مجبور به خواندن نقش شبیه علی‌اکبر شدید. تقسیم نقش‌های آوازی در تعزیه چگونه است و چگونه این نقش‌های آوازی متعلق به کسی می‌شود؟

باید بگویم تعزیه نیز سیر تکاملی دارد و کسانی که از کودکی وارد آن می‌شوند نقش‌های متفاوتی را می‌خوانند. اما ابتدا با بچه‌خوانی شروع می‌شود که نقش‌های مشخصی دارد، مثل نقش حضرت رقیه، حضرت سسکینه و حضرت فاطمه صغری یا عبدالله و بعد کمی که بزرگ‌تر می‌شوند معمولاً باید نقش حضرت قاسم را بخوانند. یعنی بچه‌های ۱۲، ۱۳ ساله شبیه حضرت قاسم را می‌خوانند و در مواقع دیگر – که بستگی به توانایی فردی دارد– می‌توانند علی اکبر و قاسم را هم بخوانند.

شبیه قاسم در چه دستگاهی آواز می‌خواند و تفاوت آواز او با آواز شبیه علی اکبر چیست؟

چهارگاه می‌خواند. علی‌اکبر هم در چهارگاه می‌خواند، اما قاسم از گوشه زایل شروع می‌کند به خواندن. یکی از تفاوت‌ها در شعرهایشان است، مثلاً قاسم این را می‌خواند: «تیره بر چشم جهان مانند زلف یار شد/ تلخ بر کامم لبین چون سسم نسرین مار شد/طوایب شهد شهادت نوش کردند چون شکر / آه گویا نوبت بلبل در این گلزار شد» ابیاتی که خواندم همان گوشه زایل در دستگاه چهارگاه است، اما چون قاسم از علی‌اکبر کوچک‌تر است، بین نقطه شروع آوازشان در چهارگاه فرق‌هایی هست، زیرا در تعزیه فاصله‌گذاری را نیز مدنظر قرار می‌دهند؛ علی‌اکبر از درآمد چهارگاه شروع می‌کند چون بزرگ‌تر و جنگاور است.

تفاوت‌ها در چیست؟

تحریرهای «داد» و «امام» و «وای» را که در درآمد چهارگاه توسط شبیه علی‌اکبرخوانده می‌شود،اگر مورد توجه قرار دهیم، متوجه می‌شوید چهارگاهی که در تعزیه خوانده می‌شود با چهارگاهی که مردم در آواز شنیدانه متفاوت است. فرقی این است که در تعزیه زمانی هست که امام حسین(ع) می‌گوید: «هل من ناصر ینصرنی من آل‌لاحمد المختار؟» آل یعنی کسانی که به او نزدیک‌تر هستند و باید در اول کارزار به میدان جنگ بروند و علی‌اکبر نزدیک‌ترین فرد به امام حسین(ع) بود. علی‌اکبر می‌خواند: «این چه بانگی است که به گوش من ناشد/ آمد/ کای دل گمشده اقبال بر امداد آمد» و بعد می‌رود سوارای این حرف‌ها و می‌خواند: «نوعروس چمن حسن رخ از ناز میوش (آن دنیا را می‌گوید)/ حجله عیش بیساری که داماد آمد». فضایی این آواز با آنچه درموسیقی اصیل به صورت آواز خوانده می‌شود، بسیار متفاوت است. ما (تعزیه‌خوان‌ها) هم باید بتوانیم فضاسازی این کار را انجام بدهیم و هم باید آواز خوبی بخوانیم که فالش نباشد.

شبیه سسکینه و رقیه لزوماً باید صدای خاصی داشته باشند؟

بچه‌ها چون صدایی ظریف دارند دیگر تشخیص داده نمی‌شود که صدای دختر است یا پسر. ضمناً باید در نظر داشت که در تعزیه نقش بچه‌ها را خیلی آسان گرفته‌اند، چون مانند کسانی که می‌خوانند آموزش ببینند در ابتدای امر نباید با سختی زیادی مواجه شوند. به‌طور مثال عبدالله حرف می‌زند و آواز نمی‌خواند. آواز را که عبدالله مال زمانی است که کسی چندین سال تجربه در خواندن تعزیه پیدا کرده باشد و کم‌کم دیگر بتواند بیان آوازی داشته باشد. حتی در سکنیه‌خوانی هم بیشتر کلمات او با حرف است نه آواز یا می‌تواند آواز بخواند که بستگی به خود فرد دارد. سکنیه در دشتی به صورت ریتمی می‌خواند و عباس هم آواز دشتی پاسخ می‌دهد. محوریت اصلی در تعزیه روی موسیقی و آواز است و اگر موسیقی را از تعزیه بگیردی دیگر چیزی از آن نمی‌ماند و همان نمایش یا تئاتر می‌شود. جذابیت تعزیه در موزیکال و آوازی بودن آن است. آنچه مردم را جذب می‌کند و به قوی گفته می‌شود هیئتوتیزم شده‌اند. همین آواز است و اگر جز این باشد دیگر به درد نمی‌خورد. این است که عباس هم باید ماروده را در یک جا پاسخ دهد و باید در یک دستگاه باشد.

پس از خواندن علی اکبر به کدام نقش شبیه‌خوانی می‌رسیم؟

این سیر تکاملی ادامه دارد و شخصیتی که علی‌اکبرخوان است به مرور زمان ستنش بالاتر می‌رود و می‌تواند نقش عباس(ع) را جلوی حر بخواند.

چرا می‌تواند نقش عباس(ع) را شبیه‌خوانی کند؟
برای اینکه در اینجا هم باید گوشه زایل خوانده

عزاداری شیعیان به قدمت حضور دیلمیان

اهل ماتم: روایتی حماسی از آیین سوگواری

آلبومی که محسن شریفیان در سال ۹۱ به همت موسسه فرهنگی – هنری ماهور آن را منتشر کرد به پیشینه موسیقی سوگواری در بوشهر اشاره دارد و از نظر تنوع و کثرت ملودی، بخش اعظم موسیقی این منطقه را شامل می‌شود. سوگواری شیعیان در این منطقه به روزگار آلبویه برمی‌گردد، چراکه استان بوشهر در آن زمان یکی از مراکز مهم حکومت دیلمیان به شمار می‌رفت و می‌توان گفت شروع عزاداری مذهبی شیعیان در این

راک عبدالله

عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگی من» که به بازخوانی تاریخ اجتماعی و اداری دوران قاجار می‌پردازد درباره آواز تعزیه‌های دوران قاجار می‌نویسد: «بازیگرها نقش خود را با شعر که نوشته شده بود از روی نسخه‌ای که در دست داشتند به صورت آواز می‌خواندند و هر نقشی آواز خود را داشت. حضرت عباس(ع) باید چهارگاه بخواند، حر عراق می‌خواند، شبیه عبدالله بن حسن که در دامن حضرت شاه شهیدان به درجه شهادت رسید و دست قطع شده خود را به دست دیگر گرفت؛ گوشه‌ای از آواز را که را می‌خواند که به همین جهت آن گوشه به آواز راک عبدالله معروف است. زینب کبری می‌خواند. البته ضمن تعزیه حکما باید آذانی به آواز کردی بگویند اگر امام با عباس سوال و جوابی داشت و امام «شور» می‌خواند عباس هم باید جواب خود را در زمینه «شور» بدهد.»



راک عبدالله

گفت‌وگو با علاءالدین قاسمی، استاد تعزیه و شهادت‌خوان

آواز شکسته

لیلا موسی‌زاده | نوای محزون شیپور گویای غمی است که از شهادت مسلم ابن عقیل بر فضا حاکم شده است. شب سوم محرم است و به تماشای تعزیه مسلم نشستام که علاءالدین قاسمی شبیه‌خوان نقش مسلم است و آوازش هر چند حزین است، در عمق جان خوش می‌نشیند. اصالتاً طالقانی است و در خانواده‌ای با پیشینه تعزیه‌خوانی رشد کرده و از سال ۱۳۳۸ به خواندن تعزیه روی آورده است، آن هم زمانی که هنوز شنن سالی بیشتر نداشته است و به گفته خود از محل آسایش تعزیه‌خوانان شدن و پرهم‌زدن تعزیه با همکاری دوستانش در کودکی، عاقبت وارد تعزیه‌خوانی شده است. از بچه‌خوانی و خواندن شبیه عبدالله شروع کرده و علاوه‌بر شبیه‌خوانی اغلب شخصیت‌ها نزدیک به ۴۰ سال شبیه علی‌اکبر را در تمام تعزیه‌ها خوانده و اکنون نیز شهادت‌خوان مجالس تعزیه‌ای است که با گروهش در فرهنگسرای نیاوران به مدت ۱۰ شب برگزار می‌کند. بیشتر از ۴۰ سال است که تعزیه اجرا می‌کند و به گواه اهل فن قاسمی را به نام استادی مسلم در خوانش تعزیه یا لحن و حزنی تحسین‌برانگیز می‌شناسند. بینندگان سریال «شب دهم» ساخته حسن فتحی نیز خاطره اجراهای قوی و تأثیرگذار او را در این سریال به خوبی به یاد دارند. با او درباره تعزیه و آواز مخصوص آن به گفت‌وگو نشستیم.



شود. عباس(ع) به سمت سپاه حر می‌رود و می‌خواند: «سپاهیان ز کدامین ديار آمده‌اید/ سبب ز چیست رخی پر غبار آمده‌اید/ بیان کنید به من چیست نام میر شما/ ز چیست این همه جمعیت و روید کجا؟» هر هم جواب او را در همین دستگاه می‌دهد و حتی مخالف و بالاتر را می‌خواند و به رجز می‌رسد. وقتی سیر تکاملی به وجود می‌آید که این‌گونه باشد و نقش‌های تعزیه را کسی آرام آرام بیاموزد. همین شخص که شبیه عباس را در مقابل حر خوانده وقتی سن، تجربه و مهارتش بالاتر می‌رود، می‌تواند شهادت عباس را بخواند. من نزدیک به ۲۸ سال نقش شبیه علی‌اکبر را خوانده‌ام، اما در این اواخر شهادت‌خوانی کرده‌ام؛ شهادت مسلم، عباس(ع) و حتی خود امام حسین(ع) را خوانده‌ام.

شبیه زینب(س) چه آوازی می‌خواند؟

تعزیه عباس(ع) را در نظر بگیرید. شروع کارش مشخص است؛ اول امام حسین(ع)، بعد عباس(ع) و بعد زینب(س) می‌خواند. درآمد را هم امام حسین(ع) می‌خواند. اگر بیات ترک می‌خواند یا هر دستگاهی را که با خواندن امام(ع) آغاز می‌شود باید بعد از نواختن هر آنچه شیپور می‌زند در ادامه بخوانند.این امر مستلزم آن است که موسیقی را بلد باشند تا آواز فالش نشود و در ادامه آن شیپورزن خراب نوازد. هیچ می‌دانید چرا می‌گویند فلائی خوب تعزیه نمی‌خواند؟ یکی از دلایل آن است که آن موسیقی را خوب نمی‌تواند اجرا کند. وقتی خوب نتواند اجرا کند، بالاخره یک جای کار خراب می‌شود و گرنه کسی که موسیقی را بلد باشد می‌داند که کلام را باید عین کلام بخوانند. مثلاً درآمد بیات ترک

از استادان قدیمی شنیده‌ایم که می‌گویند آوازخوان خوبی است، اما تعزیه را خوب نمی‌خواند. مثلاً در مورد اقبال آذر و استاد ابراهیم بوذری تعزیه‌خوان این مساله عنوان شده است.

بله، همین‌گونه است. چون آواز موسیقی با آواز تعزیه

#



فرق دارد. علتنش هم این است که در جایگاه ائمه داریم می‌خوانیم و باید کلام کامل بیان شود اما در آواز این‌گونه نیست و اگر در تعزیه غیر از این انجام دهید و به شیوه آواز مرسوم بخوانید، شنونده و بیننده تعزیه اصلاً متوجه نمی‌شود که چه خوانده‌اید. به همین علت خواننده شخصیت‌ها را مشخص می‌کند تا کسی که قرار است رجز بخواند یا فروتنانه بخواند بداند که چگونه این آواز را اجرا کند. مثلاً چهارگاه پشت خیمه عباس با چهارگاه علی‌اکبر فرق می‌کند. علاوه‌بر اینکه شعرهایشان و بیان آن فرق دارد حتی آهنگ کار حرکت‌هایشان نیز فرق دارد و جذابیت تعزیه در همین نکته‌هاست و گرنه چهارگاه، چهارگاه است. چهارگاه را زیاد در تعزیه می‌خواند و این جذابیت تعزیه‌خوان است که بلدکار باشد و بتواند این آوازها را متفاوت از هم اجرا کند تا برای مردم یکنواخت نباشد. لحظه به لحظه تعزیه چیز دیگری است که شما را نگه می‌دارد تا آن را تا به آخر دنبال کنید.

نسخه‌های مختلفی در تعزیه وجود دارد. شما کدام نسخه‌ها را در اجرای خود می‌خوانید و با کدامین نسخ تعلیم دیده‌اید؟ چرا که بهتر می‌دانید قوت و تأثیرگذاری تعزیه به نسخ نوشته‌شده آن است.

دقیقاً ما چندین تعزیه داریم. زمان قاجار در تهران «میر غم» تعزیه‌ها را ساخته و پرداخته بود و در کاشان نیز «میر عزای کاشی» تعزیه نوشته بود که از جذاب‌ترین نسخ تعزیه‌هاست. چرا که تعزیه‌هایی را که نوشته دست به دست چرخیده و آنها را رتوش کرده و ایراداش را گرفته و بهترین را ارائه کرده است. میرزا بهترین نسخه‌های تعزیه را نوشته است. استان‌ها برای اینکه از قافله عقب نمانند به تعزیه پرداختند. چرا که جای تعزیه‌خوان‌های خوب از هر نقطه ایران سوار بر درشکه سلطنتی در تکیه دولت بود که می‌آمدند و می‌رفتند. یعنی آنها را می‌آوردند و می‌بردند. در اراک «انجم» نسخه نوشته است و در استان‌های شمالی هم کسان دیگری بودند که شعرهایشان متفاوت است اما مطلب و موضوع همان است.

نسخه تعزیه به کدام یک قوی‌تر است؟

میرزا قوی‌تر است. چرا که با دو سه بیت کل معنی و منظور را می‌رساند اما به‌طور مثال در نسخه انجم باید ۱۵ – ۱۶ بیت خوانده شود تا صحنه و اتفاق آن بیان شود که طولانی شدن ابیات بالطبع تماشاگر تعزیه را خسته می‌کند و حتی موجب کم‌شدن موضوع در ذهن او می‌شود.

همان‌گونه که گفتید در نسخ تعزیه نیز کیفیت‌ها متفاوت است. معیار همه‌پسند بودن را که گفتید به کیفیتی مربوط می‌شود که از تقابافته یا از آن کم شده است؟
نسخه‌های همه‌پسند یعنی هرکس با هر سطح دانش و معلومات از آن تعزیه بهره می‌برد و به آن نظر مثبت دارد. چه آن کسی که اصلاً دانشی ندارد وجه شخص خاصی که با فن کار آشنایی دارد وقتی بباید آن را ببیند متوجه می‌شود که چیست و آن را تحسین می‌کند.

چگونه شد که برای اجرای تعزیه به سریال شب دهم دعوت شدیدی؟

بعد از انقلاب تلاش کردیم و جنگیدیم تا بتوانیم تعزیه اجرا کنیم چراکه بسیاری کار ما را حرام می‌دانستند و اجازه فعالیت به ما نمی‌دادند. یک‌سری از جوان‌ها بعد از انقلاب علیه ما بودند و نمی‌خواستند فرهنگ ما رواج پیدا کند ولیکن ما آنقدر پافشاری و تلاش کردیم تا بتوانیم اجرا برویم. سال ۶۸ در تالار محراب تعزیه‌ای را اجرا کردیم با عنوان «اشیخ صنعان و دختر ترساکه آن زمان حسن فتحی در حال اخذ درجه ارشد کارگردانی بود. شیخ صنعان را به صورت تعزیه به روی کار بردیم. اولین کار موزیکالی بود که در ایران روی صحنه اجرا می‌شد و تعزیه بود و میزانشن داشت، چراکه تعزیه میزانشن ندارد.

البته درست است که این سریال جذاب بود اما دقایقی که شما تعزیه می‌خواندید جایگاه تعزیه در افکار عمومی بالا برد رفت حتی آن تعزیه‌ها را به زیبایی در خاطرها ثبت کرد که باسال‌ها کار روی فیلمنامه نمی‌شد این‌گونه اجرایی داشت.

حسن فتحی به حرف‌هایم توجه می‌کرد و من هم هر چیزی که را از سال‌های مبارزه برای گرفتن حق اجرای تعزیه در سر داشتیم به او گفتم و او هم در فیلمنامه‌اش گنجانده، برای مثال همان بخش‌هایی که به آژان‌ها باید شیتلن می‌دادیم تا بتوانیم مخفیانه در جایی تعزیه اجراکنیم. برای قوی‌تر شدن سریال هم از کسانی چون مرشدعلی ترابی به منظور همکاری در گروه دعوت کردم که یکی از بزرگان مراسم تعزیه و معین‌البکای ما بود. از اصفهان نیز آقاسی جواهری را آورده بودم حتی در منزل پذیرای اعضای گروه می‌شدم. بعد از شب دهم مردم تعزیه را شناختند آن هم با چه درجای از احترام و فخری.

آلبوم



«اصغر» معروف است که توسط امیر توسلی آهنگساز انتخاب شد و در تیتراژ پایانی سریال «مختارنامه» مورد استفاده قرار گرفت که البته در آن زمان به خاطر عدم درج نام شریفیان در تیتراژ سریال، آیین‌های مذهبی گنجانده است یکی از مهم‌ترین قطعات را که نخستین بار صورت گرفته، آن است که در کنار جنبه سوگوارانه، قطعات به شکلی حماسی روایت شده است؛ چیزی که این روزها نادیده گرفته می‌شود و در معرض فراموشی است.